

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه چهل و هفتم، ۱۵ آذر ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/قراردادهای آتی - ودیعه /اقسام ودیعه - صحت معاملات
سلف در روایات و نظر فقها

0.1- حدیث اخلاقی (مراقبه و محاسبه نفس)

روایت اخلاقی و توصیه اخلاقی امروز در کتاب مکارم الأخلاق، راجع به حالات رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) این گونه آمده و آنانی که سیره نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) را بیان و نقل کردند، همه در حالات رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) این جمله را آوردند:

«وكان النبي إذا استيقظ من نومه قال الحمد لله الذي أحياني بعد أن أمتني»؛ [1]

یعنی رسول مکرم اسلام هر موقع که از خواب بلند می شدند، می فرمودند: «خدایا تو را سپاس می گویم که مرا پس از مرگم زنده کردی». از این فرمایش حضرت، استفاده می شود که خواب، یک مرگ است و انسان در موقع خواب یکی از کارهایی که باید انجام دهد، مرور کارهای روزانه اوست؛ یعنی انسان های شایسته و بایسته که خواب را نوعی مرگ می دانند و بیداری را یک موقع رستخیز و همانند رستخیز و حشر و نشر می دانند، خودشان را آماده حساب و کتاب می کنند؛ چون می دانید که انسان، نفس و روحی دارد.

0.2- لزوم توجه دائمی و مطالعه کتاب نفس

و عرض می کنم ما نفس مان کتابی دارد و کتاب نفس، بسیار لطیف و صمدانی است.
در یک فراز الهی نامه عرض کردم: «الهی ما را الفبای کتاب نفس بیاموز که کتاب ظریف و لطیف و صمدانی است»

اگر کتاب های دیگر را انسان یک بار و دوبار بخواند، کفایت می کند؛ کتاب نفس را باید همیشه قرائت بکند.

«مرا به هیچ کتابی، مکن حواله دگر که من حقیقت خود را، کتاب می دانم» [2]

اعزه من، در کتاب نفس تان بنگرید؛ در تصفیه حالات نفسی تان بکوشید و ان شاء الله کاری کنید که کتاب نفس ما با دقت، مطالعه بشود. ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ [3]. او را به رشد و نمو برسانید و این نیاز به اجتهاد و کوشش و بصیرت دارد. و حتی برای شما اعزهی اجتهاد اصطلاحی؛ شما اجتهاد با بصیرت و بصیرت با اجتهاد لازم دارید.

0.3-مراقبت از نفس یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام)

0.3.1-میثم تمار

رضوان الهی بر میثم تمار یار وفادار حضرت سرّالأنبیاء والمرسلین؛ ببینید چقدر حالات عجیبی داشت؛ او را به دار زدند؛ روی دار، شروع به دفاع از ولایت و امامت کرد. ولایت و امامت، در هر زمانی نیاز به مدافع و دفاع دارد. جناب میثم تمار زبان باز کرد و از اوصاف و حالات امیرالمؤمنین سرّالأنبیاء والمرسلین گفت؛ چون به این بصیرت رسیده بود که الآن محاسبه نفس او و بررسی کتاب نفس به این است که مدافع ولایت باشد. و من عرض می‌کنم که کتاب نفسانی ولایت را همیشه باید ورق زد.

0.3.2-رشید هجری

در مورد رشید هجری یکی دیگر از یاران حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بعضی‌ها نقل کردند؛ این مطلب در کتاب اختصاص است؛ دخترش که کم سن و سال هم بود، گفت: «ما أشدّ إجتهدك»؛ پدر چقدر در راه هدفت محکم هستی؟ چقدر کتاب قطور نفسانی خودت و ولی‌ات را حساب شده ورق می‌زنی؟ جمله رشید هجری که رضوان الهی بر او باد، جمله‌ای است که توصیه اخلاقی بحث امروز ما است؛ جناب میثم فرمودند: «یأتی قوم بعدنا بصائرهم فی دینهم أفضل من اجتهدنا»؛ [4]

می‌گوید: بعد از ما یک گروهی می‌آید که «بصائرهم فی دینهم أفضل من اجتهدنا»؛ این‌ها این قدر بصیرت در دین‌شان دارند که از این استواری و کوشش ما بیشتر است؛ بعد از ما یک قومی می‌آیند که اهل بصیرت و اجتهاد هستند؛ ولی اجتهاد و جهاد آنها کجا و اجتهاد و جهاد رشید هجری کجا؟ خیلی تعبیر عجیبی است.

0.4-مهاجر حقیقی

در بحث هجرت داریم که مهاجر واقعی کسی است که «المهاجر من هجر الخطایا و الذنوب [5]» و کسی که از مخالفة الله إلى طاعة الله هجرت کند؛ اگر کسی از گناهان به طاعت الهی و از معصیت و مخالفت به اطاعت باری تعالی هجرت بکند، این مهاجر است و کسی می‌تواند کتاب نفسش را بخواند که ذنوبش را در نظر بگیرد و هر لحظه استغفار بکند.

ما مسافریم، ولی نه مسافر تن؛ مسافر تن و سفرهای تنی و بدنی و جسمانی از این منطقه به آن منطقه و راههای دور، آسان است؛ اما مسافرت نفس که در کتاب نفسانی است و هجرت از گناه به طاعت است، قابل دقت است؛ ما عرض می‌کنیم این گونه مهاجرتی داشته باشید.

جناب رشید هجری، وعده شما بزرگان و اعزه داد که بزرگانی می آیند که این گونه هستند: نه اجتهادشان، قابل مقایسه با جهاد و اجتهاد ما است و نه بصیرتشان، قابل مقایسه با بصیرت ما است؛ بصیرت مردم آخرالزمان، بالاتر است. این پیام که جناب رشید هجری به شما داد، ان شاء الله به عینیت برسانیم و ان شاء الله میثم گونه، از ولیّ دفاع کنیم. هر زمانی دفاع از ولایت و طاعت و تزکیه و جهاد وجود دارد.

«سفر آن نیست که از مصر به بغداد رویاز سر نفس گذشتن، سفر مردان است [6]»

ما سفر مردان را لازم داریم.

«اگر لذت ترک لذت بدانی دگر شهوت نفس، لذت نخوانی [7]»

اگر انسان لذت ترک نفس بداند، دیگر هیچ گاه لذت نفس را لذت نمی داند.

روح یک لذتی دارد که با اطاعت تأمین می شود.

الهی أغننا بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک. ان شاء الله در این برنامه ریزی تان موفق باشید.

1- خلاصه جلسه گذشته

2- 1.1، قراردادهای آتی

در قراردادهای بورس به این نتیجه رسیدیم که یکی از قراردادهای بورس، قراردادهای آتی با اقسامش است که گاهی معامله گری که فروشنده یا خریدار است، حتی بدون داشتن کالایی یا دارایی به لحاظ آینده، خرید و فروش انجام می دهند؛ و این معاملات در بورس، رایج و معروف است و از نظر کمیت و کیفیت، دارای مشخصات خاصی است؛ گاهی برای کالا و گاهی برای سهام است. و اینها تعهدات و قراردادهای خاصی دارند و این معامله شان گاهی بر اساس پایه صورت می گیرد؛ یعنی یک اعتبار خاصی را در نظر می گیرند و بر آن اعتبار توافق می کنند و خرید و فروش و سود بر آن اساس انجام می شود.

آیا این عقد است؟ اگر عقد است، آیا عقد ابتدایی است؟ یا شرط در ضمن عقد است؟ ضمانت نامه است؟ پیمان نامه است؟ آیا پیمان نامه در ضمن قرارداد است یا خیر؟ بیع است یا صلح یا عاریه یا اباحه است؟ به چه صورتی انجام می شود؟

2- 1.2، اقسام ودیعه در قراردادهای بورس

عرض کردیم به لحاظ قانونی چه در بورس جهانی و چه بورس ایران - که بیشتر بورس ایران را مورد توجه قرار می‌دهیم - تعهدنامه‌هایی هم برای ضمانت طرفین انجام می‌شود؛ این تعهدنامه هم یکی بر اساس حساب ودیعه است که معمولاً هم در بازار آتی سه نوع ودیعه وجود دارد؛ ودیعه اولیه، ودیعه ثابت و ودیعه متغیر. ودیعه اولیه، ودیعه‌ای است که بایع و مشتری که معامله گر هستند، با کارگزار و کارگزار با بورس، یک ودیعه‌ای را سپرده‌گذاری می‌کنند و بر اساس آن کفی و سقفی دارد. و ودیعه متغیر، ودیعه‌ای است که اگر در روزی خریدی می‌خواهند کنند و دریافت و پرداخت کنند و برای دریافت‌ها و پرداخت‌های‌شان سودی داشته باشند، باید ودیعه‌شان به حد خرید و فروش‌شان برسانند؛ آیا این قرارداد است یا عهد است؟

2- 1.3، اشاره به روایات مربوط به جواز انواع تصرفات انسان در مالش

ما روایاتی را محضران عرض کردیم که از این روایات استفاده می‌شد که معامله گر در بورس، «یصنع ما یشاء»؛ روایاتی را عرض کردیم که آنچه که دلش می‌خواهد، می‌تواند با مالش انجام دهد.

در روایت سماعه در وسائل، ج ۱۹، ص ۲۹۶ فرمودند: «قال هو ماله یصنع ما شاء الی ان یأتیة الموت»؛ [8]

یا در روایت ابوبصیر داشت: «یعمل بماله ما شاء مادام حیا ان شاء وهبه و إن شاء تصدق به و ان شاء تركه الی ان یأتیة الموت» [9].

3، 2- 1.3.1، تصرفاتی که در روایت آمده تمثیلی است و شامل مباحث بورس نیز می‌شود

روایت ابوبصیر که از اصحاب اجماع است، - مبنای بعضی این است که روایت وقتی به اصحاب اجماع رسید، روایت صحیح می‌شود - اینجا تعبیر روایت این است که «إن شاء وهبه و إن شاء تصدق به»؛ ما طبق مبنای خودمان اینها را تمثیلی می‌دانیم؛ یعنی هبه و صدقه حضرت به عنوان مثال ذکر کردند. می‌توانیم از این روایت استفاده کنیم که انسان، صاحب مال و صاحب اختیار است. معامله گر در بورس، چه خریدار و چه فروشنده «هو ماله یصنع ما شاء و یعمل بماله ما شاء»، هم «یصنع» و هم «یعمل» در روایات دارد؛ می‌تواند با مالش هر کاری را بکند، جز کارهایی که ممنوع است؛ معامله ربوی و غرری و جنس حرام نمی‌تواند داشته باشد.

2- لزوم وفا به تعهدات مگر در موارد ممنوع در قراردادهای ابتدایی یا در ضمن عقد

می‌شود این حرف را بزنیم که اگر تعهدی و شرط ابتدایی گذاشت، یا پیمان‌نامه یا ضمانت‌نامه یا شرط ضمن عقدی یا هر یک از اقسام عقود که مورد بحث است گذاشت، می‌شود این شخص مالش را خرید و فروش کند. ما از این روایات استفاده می‌کنیم که انسان إلا ما خرج بالدلیل، معاملاتی که خارج شده است، بقیه معاملات را چه شرط ضمن عقدی باشد و چه ابتدایی که بعضی از بزرگان مانند حضرت امام و آقای خوئی می‌فرمایند، حتی در شرط ابتدایی هم می‌تواند قراردادی منعقد کند و لازم الوفاء هست. و ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾، [10] شامل العهود هم می‌شود؛ در نتیجه باید انسان به قراردادی که می‌بندد وفادار باشد.

3- جواز صرافی و معامله درهم به دینار و بالعکس در روایات

در مستدرک الوسائل که برخی روایاتی که مرحوم صاحب وسائل نیاوردند، مرحوم نوری آوردند، در باب ۳ از ابواب معاملات صرفی، ایشان در این باب سه روایت آوردند و عنوان باب را این‌گونه آوردند: باب أن من كان له على غيره دينانير، جازان يأخذ بدلها درهم و بالعكس:

3.1- روایت اول

دعائم الإسلام: «عن أبي عبد الله (عليه السلام)، أنه رخص في اقتضاء الدرهم من الدينانير، والدينانير من الدرهم» [11].

حضرت فرمودند: انسان می‌تواند به جای دینار، درهم و به جای درهم، دینار بدهد و بگیرد؛ یعنی یک خرید و فروش و معامله با درهم و دینار انجام دهد.

3.2- روایت دوم

وروى عن أبيه، عن آباءه، أن أمير المؤمنين (عليه السلام) سئل عن ذلك، فقال: «قد كره أن يقبض المسلم إلا ما أسلف، فإن تراضيا من ذلك على أمر أراد به الرفق من أحدهما لصاحبه، فلا بأس إذا كان بسعر معلوم» [12].

در معاملات آتی رد و بدل و اگر کالایی باشد، معاوضه کالا در آینده صورت می‌گیرد.

در معامله سلف، ثمن بدون مدت است؛ اما مثنی مدت‌دار است.

حضرت فرمودند: آنچه مهم است، تراضی است؛ در معاهده، در ضمانت‌نامه، در عهد ابتدایی و در شرط ضمن عقد، در هر یک از این معاملات، رضایت حرف اول را می‌زند؛ اگر این توافق بیاید، اشکالی ندارد. اگر با بها و قرارداد معلوم باشد چقدر دینار در برابر چقدر درهم و برعکس باشد، اگر قراردادی با این خصوصیات منعقد بشود، می‌توانیم بگوییم اشکالی ندارد.

3.3-روایت سوم

عوالي اللآلي: عن النبي صلى الله عليه وآله، أنه سئل عمّن باع بالدنانير فأخذ عوضها دراهم، أو بالدرهم فأخذ عوضها دنائير، يأخذ هذه عن هذه، فقال: «لا بأس يأخذها بسعر يومها، ما لم يفترقا وبينهما شيء» [13].

4-نظر صاحب جواهر در معامله سلف و پیش خرید یا پیش فروش

مرحوم صاحب جواهر در بحث شروط متعاقدين در بحث معامله فضولی، در جلد ۲۲، ص ۲۸۱ به بعد، بحث معامله فضولی را دارند و می گویند: آنچه در روایات نهی شده است این است:

«و ان المراد به النهي عن بيع ما ليس عنده ولا يملكه من الأعيان المشخصة التي هي عند غيره، ([14] »... آنچه که مهم است این است که نهی از بیع ما ليس عنده است؛ اگر چیزی پیش او بود و قراردادی بستند و گفتگو کردند، آن گفتگو اهمیت دارد)

4.1-استناد صاحب جواهر به روایات در جواز معامله سلف و پیش خرید یا پیش فروش

4.1.1-روایت اول

بعد ایشان صحیح ابن حجاج را نقل می کنند. در ابواب أحكام العقود حدیث ۳ از باب ۷ وسائل است:

«هذا كله مضافا إلى ما قيل من أنه يظهر من بعض أخبارنا المعتبرة أن المزبور عامي قال ابن الحجاج في الصحيح [15] «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يجيئني يطلب المتاع فأقاوله على الربح ثم أشتريه فأبيعه منه، فقال: أليس إن شاء فعل وإن شاء ترك؟ قلت: بلى، قال: فلا بأس به، قلت: فإن من عندنا يفسده، قال: و لِمَ؟ قلت: يقول باع ما ليس عنده، قال: فما يقول في السلف، قد باع صاحبه ما ليس عنده، فقلت: بلى، قال: فإنما صلح من قبل انهم يسمونه سلما، إن أبي عليه السلام كان يقول لا بأس ببيع كل متاع كنت تجده في الوقت الذي بعته فيه [16].»

مانند معاملات آتی و معاملات سلفی که پول را می دهد، ولی مبیع در اختیارش نیست.

سلف هم پول را الآن می دهد و جنس را بعدا می دهد. همین که الآن اصطلاحا به آن پیش خرید یا پیش فروش می گویند.

این عبارت (لا بأس ببيع كل متاع كنت تجده في الوقت الذي بعته فيه)، مورد استشهاد ما است؛ اگر الآن ندارید، ولی هنگام خرید و فروش در اختیارت است، اشکالی ندارد؛ یعنی الآن قرارداد می‌بندید که فلان روز به تو می‌فروشم و جنس را به تو تحویل می‌دهم؛ حضرت فرمودند: این معامله اشکالی ندارد.

4.1.2-روایت دوم

یا در صحیحہ دیگر وسائل الشیعہ، ابواب احکام العقود، باب ۷، حدیث ۱:

وقال أيضا في صحيحه الآخر «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يشتري الطعام من الرجل ليس عنده فيشتري منه حالا قال: ليس به بأس قلت: انهم يفسدونه عندنا قال وأي شيء يقولون في السلم قلت: لا يرون فيه بأسا يقولون هذا إلى أجل فإذا كان إلى غير أجل وليس هو عند صاحبه فلا يصلح فقال: إذا لم يكن أجل كان أحق به ثم قال لا بأس أن يشتري الرجل الطعام وليس هو عند صاحبه إلى أجل وحالا لا يسمى له أجلا إلا أن يكون بيعا لا يوجد مثل العنب والبطيخ وشبهه في غير زمانه فلا ينبغي شراء ذلك حالا[17].»

راوی می‌گوید: از حضرت در مورد کسی که خوراکی خرید و فروش می‌کند که پیش او نیست سؤال کردم؛ حضرت فرمودند: اشکالی ندارد.

حتی گاهی در همین روایت، مثال انگور و خربزه و هندوانه و صیفی‌جاتی که هنوز زمان تابستان نیامده، اما میوه‌های تابستانی را خرید و فروش می‌کنند؛ البته با شرایطی که در مورد خرید و فروش میوه است.

5-نظر مختار در معاملات سلف و پیش‌خرید یا پیش‌فروش

ما عرض‌مان این است که از همه این روایات استفاده می‌شود که معاملات سلفی و سلمی یا معاملاتی که هر دو مؤجل باشد، نه بیع دین به دین؛ بلکه معامله‌ای باشد که بعد از بیع، شخص مدیون دیگری می‌شود، چه مشتری به بایع و چه بر عکس، چه معامله‌گر با بورس و چه کارگزار با بورس، این معامله به هر شکلی که باشد، معتبر است.

6-5.1، ادله نظر مختار در معاملات سلف

5.1.1-دلیل اول: اطلاق آیات

اولا مطلقات ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾، [18] ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ [19] و ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ﴾ [20] شاملش می‌شود.

-5.1.2. دلایل دوم: سنت

دوم اینکه سنت و این اخبار هم دلیل است.

-5.1.3. دلایل سوم: سیره عقلا

و دلیل سوم هم که دلیل مهمی است، این است که فقها دو دیدگاه دارند: یک دیدگاه این است که معاملات همانند عبادات، حقیقت شرعیه هستند؛ یعنی نیاز به جعل داریم؛ شما اول باید ثابت کنید که این بیع است و بعد ثابت کنید بیعی است که جایز است، یا خیر؟ ولی ما این مبنا را پذیرفتیم که شارع مقدس، خارج از عرف و عقلا نیست؛ و عقلای قوم، معمولا این معاملات را معتبر می‌دانند و شارع هم وقتی عقلا معاملاتی می‌کردند، یک سری معاملات را تایید کرد و یک سری معاملات هم که در آن زمان نبود - سنت اعم از فعل و تقریر و قول شارع مقدس است - معاملات دیجیتالی و اینترنتی و آتی نبود؛ کالا به کالا و اعتباری نبود؛ و این امکانات که با یک دکمه قبض و اقباض تحقق پیدا کند، نبود؛ ولی اصل مشتری و معاملات و فعل و انفعالات در کالاها، موجود بود. می‌توانیم بگوییم ارتکاز عقلایی بود و ارتکاز عقلاییه گذشته و آینده ندارد؛ یعنی سیره عقلاییه که شارع مقدس اصل معاملات را بر اساس رضایتی که بین عقلا صورت می‌گرفت و وجود داشت، پذیرفته است. و الآن می‌بینیم عقلای قوم این چنین قراردادهایی دارند؛ حالا باید قراردادهای شان را تحلیل کنیم؛ آیا عهد است؟ یا شرط ضمن عقد است؟

گاهی می‌گویند: ما به شما وکالت می‌دهیم؛ معامله گر به کارگزار وکالت می‌دهد؛ گاهی پولی را به قول قراردادهای خودشان می‌گویند ما ودیعه می‌گذاریم؛ سقف و کف می‌گذاریم؛ بین سقف و کف معامله گر می‌تواند در آن روز، معامله و تسویه حساب بکند. عرض ما این است که اینها در ضمن قراردادهای هستند؛ چه قراردادهای ابتدایی و چه قراردادهای ضمنی و چه ضمانت‌نامه‌های به نحو اباحه تصرف؛ مانند کسی که پولش یا کتابش را در اختیار کسی می‌گذارد و می‌گوید از آن استفاده کن، او هم چند معامله می‌کند، بعد پولش را پس می‌آورد. می‌شود بگوییم این عنوانی که به صورت ودیعه استفاده می‌کنند، بگوییم تحت عنوان ودیعه است؟ بله، اگر شرایط ودیعه و ضمانت‌نامه‌هایی که در ودیعه معتبر است باشد، اشکال ندارد.

-6 نتیجه

نتیجه این که ما عرض‌مان این است که اگر خط قرمزهای معاملات رعایت شود، این معاملات به لحاظ شرعی اشکالی ندارد؛ تا مادامی که ربوی و غرری نباشد و اصول هر معامله‌ای و قراردادی و موضوعی از موضوعات فقهی شکسته نشود، اشکال ندارد. پس اگر از خط

قرمزها عبور نشود، وجه صحت دارد، ولی اگر در معامله دین به دین وارد شود، یا در قرض ربوی یا بیع ربوی باشد، یا در درهم و دینار، قبض صورت نگیرد و معامله نقدین شرایطش رعایت نشود، و در صرف و سلم شرایطش رعایت نشود، صحیح نیست. تا به قراردادهای دیگر برسیم.

[1] مکارم الاخلاق، الطبرسی، رضي الدين، ج ۱، ص ۲۹۳.

[2] این شعر را علامه حسن زاده آملی به نقل از شمس مغربی آورده‌اند.

[3] شمس/سوره ۹۱، آیه ۹ و ۱۰.

[4] الإختصاص، الشيخ المفید، ج ۱، ص ۷۸.

[5] میزان الحکمة، المحمدي الري شهري، الشيخ محمد، ج ۴، ص ۳۴۳۰.

[6] سعدی.

[7] سعدی، غزلیات، غزل ۶۲.

[8] وسائل الشیعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۲۹۶، أبواب الوصايا، باب ۱۷، ح ۱، ط آل البيت.

[9] وسائل الشیعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۹، ص ۲۹۷، أبواب الوصايا، باب ۱۷، ح ۲، ط آل البيت.

[10] مائده/سوره ۵، آیه ۱.

[11] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ۱۳، ص ۳۴۹.

[12] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ۱۳، ص ۳۴۹.

[13] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ۱۳، ص ۳۴۹.

[14] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۲۲، ص ۲۸۳.

[15] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۲۲، ص ۲۸۳.

[16] وسائل الشیعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱۸، ص ۴۷، أبواب أحكام العقود، باب ۷، ح ۳، ط آل البيت.

[17] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٦، أبواب أحكام العقود، باب ٧، ح ١، ط آل البيت.

[18] مائدة/سوره ٥٥، آيه ١.

[19] بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٥.

[20] نساء/سوره ٤، آيه ٢٩.